

آندره موروا

ویکتور هوگو

زندگی و آثارش

برگردان از متن فرانسه

پرویز شهبادی



نشر به سخن

سرشناسه: موروا، آندره، ۱۹۶۷ - ۱۸۸۵ Maurois, Andre

عنوان و نام پدیدآور:

ویکتور هوگو؛ زندگی و آثارش / آندره موروا

برگردان از متن فرانسه: پرویز شهدی.

مشخصات نشر:

تهران: انتشارات به سخن، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری:

۵۲۸ صفحه؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک:

978 - 600 - 7987 - 44 - 5

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه‌ی بخشی از کتاب:

Olympio ou la de Victor Hugo, c1993

موضوع: هوگو، ویکتور ماری، ۱۸۸۵ - ۱۸۰۲ م. Hugo, Victor Marie

هوگو، ویکتور ماری، ۱۸۸۵ - ۱۸۰۲ م. - کتابشناسی.

Hugo, Victor Marie - Bibliography

شناسه افزوده:

شهدی، پرویز، ۱۳۱۵ - مترجم.

رده‌بندی کنگره:

۱۳۹۶ و ۸ / PQ ۲۵۴۴

رده‌بندی دیویی:

۸۴۸ / ۷

شماره کتابشناسی ملی:

۵۰۶۵۳۰۵



ویژگی‌ها و برگزیده آثارش

آندره موروا
برگردان از متن فرانسه به سید علی میرزایی

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۹ ه. ش.
۶۵۰ نسخه

لیتوگرافی گلیاگرافیک، چاپ دالاهو، صحافی سیمیا
طرح جلد: محسن سعیدی
تمامی حقوق این اثر محفوظ است.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۸۷-۴۴-۵

آدرس دفتر: تهران، خ ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۱، واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۹۵۷۱۳ - ۶۶۹۷۸۴۵۳ - ۶۶۴۹۱۵۸۸

ناشر همکار: انتشارات مجید

www.majidpub.com

Telegram & Instagram: @majidpub

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیش‌گزارش
۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	بخش نخست: چشمان‌های خدایی
۵۷	بخش دوم: شعله‌های شرکاد
۱۰۹	بخش سوم: انسان پیروزمند
۱۶۳	بخش چهارم: پاییز زودرس
۲۱۳	بخش پنجم: عشق و اندوه اولمپیو
۲۵۵	بخش ششم: جاه‌طلبی‌های به حقیقت پیوسته
۳۱۹	بخش هفتم: زمان‌گزینش
۳۵۷	بخش هشتم: تبعیدی‌ها، روان‌ها، نوشته‌ها
۴۰۹	بخش نهم: ثمره‌های تبعید
۴۶۱	بخش دهم: مرگ و تجلی

پیش‌گفتار گزارنده

آندره مورو، که نام حقیقی‌اش امیل هرزوک است، در سال ۱۸۸۵ در البوف فرانسه متولد شد. در سال ۱۹۶۸ در پاریس درگذشت. تحصیلاتش در رشته زبان و ادبیات فرانسه بود که در دهه سال اول زندگی‌اش، بقیه را به فعالیت‌های ادبی پرداخت. آندره مورو از بهره‌ای برجسته‌ی ادب فرانسه در قرن بیستم است، مقاله‌ها، رساله‌ها، داستان‌ها، زندگی‌نامه‌ها و کتاب‌هایی که درباره‌ی تاریخ کشورهای گوناگون نوشته، در سراسر دنیا از شهرت خاصی برخوردارند. اطلاعات وسیع و ژرف مورو در همه‌ی زمینه‌های علمی و ادبی به او اجازه می‌داد حتی در مسایل نظامی و اقتصادی و سیاست و سایر نظرهای جالبی را ارایه دهد. به عنوان مردی خوشبین و اهل عمل، علاقه‌ی زیادی به زندگی مردانی که زندگی‌شان را وقف افکار و نظریه‌هاشان کرده بودند از سودنسان، داد، آثاری که در این زمینه به وجود آورده فراوان و متنوع‌اند: «آریل یا زندگی‌نامه‌ی شلی» (۱۹۲۳)، «زندگی‌نامه‌ی دیزرائیلی» (۱۹۲۷)، «زندگی‌نامه‌ی بایرون» (۱۹۳۰)، «زندگی‌نامه‌ی لیوتی» (۱۹۳۱)، «ادوارد هفتم و زمان او» (۱۹۳۳)، «زندگی‌نامه‌ی ولتر» (۱۹۳۴)، «رنه یا زندگی‌نامه‌ی شاتو بریان» (۱۹۳۸)، «در جست‌وجوی مارسل پروست» (۱۹۴۹)، «للیا یا زندگی‌نامه‌ی ژرژ سان» (۱۹۵۲)، «سه دوما» (زندگی‌نامه‌ی الکساندر دوما پدر و پسر)، «اولمپیو یا زندگی‌نامه‌ی ویکتور هوگو» (۱۹۵۴)، «پرومته یا زندگی‌نامه‌ی بالزاک» (۱۹۶۵)، «آدرین یا زندگی‌نامه‌ی دولافایت» (۱۹۶۰) و غیره... با دقت و وسواس زیاد به جمع‌آوری اسناد و

مدارک می پرداخت تا زندگینامه‌هایی که می‌نوشت از صحت و امانت کاملی در زمینه‌ی بازنمایاندن زندگی واقعی و ویژگی‌های اخلاقی افراد برجسته‌ی دنیای ادب و هنر و سیاست برخوردار باشد.

در زمینه‌ی تاریخ و نیز نوشتن خاطراتش نیز همین دقت و وسواس را به خرج می‌داد. کتاب‌هایی که در زمینه‌ی تاریخ به نگارش درآورده: «تاریخ انگلستان» (۱۹۳۷)، «تاریخ ایالات متحد آمریکا» (۱۹۴۷) و «تاریخ فرانسه» (۱۹۱۰) مراجعی دقیق و مطمئن برای جستارگران و علاقه‌مندان به تاریخ به شمار می‌آیند. موروا با نگاهی روانشناسانه کنش‌ها و تحولات مردان بزرگ تاریخ و ملت‌ها را بررسی می‌کند. قلمش شیرین و روان است، از گزافه‌گویی و جمله‌پردازی بی‌بره‌زد، و حتا مسایل و رویدادهای بغرنج تاریخ را با ابراز همدلی، ذکاوت و روشنی تمام بیان می‌کند. در نگارش خاطراتش نیز، سادگی، صداقت و پرهیز از هرگونه خودخواهی و خودستایی به‌طور کامل به چشم می‌خورد.

موروا در جایی می‌گوید: داستان‌نویسی را به سایر رشته‌های ادبی، به‌ویژه زندگینامه‌نویسی که سخت پیچیده و دلسوزپاگر است ترجیح می‌دهد. اما هنگامی که به نگارش داستان می‌پردازد، خطه‌ی سرزمین به‌ویژه در زمینه‌ی عشق بسیار متفاوت با آن چیزی است که در سایر آثارش دیده می‌شوند. در مورد عشق، او بیش‌تر به برخوردها و بحران‌های احساسی توجه دارد تا مسایل مربوط به روابط جنسی، موضوعی که در رمان‌های قرن بیستم، بسیاری از نویسندگان سخت رایج است. خودش می‌گوید: «بزرگ‌ترین مشکل و عیب من نزاکت و ادب بیش از اندازه‌ی من است.» منظورش این است که تربیت خانوادگی محدود و بسته‌اش به او اجازه نمی‌داد در هر زمینه و موردی به داستان‌سرایی بپردازد. در داستان‌هایش نیز روشنی، خوشتنداری، ظرافت، هماهنگی، رعایت اعتدال و پرهیز از هرگونه اغراق‌گویی، باعث می‌شود که سبکی محکم و دلپذیر داشته باشد. در میان داستان‌هایش که از همه معروف‌ترند می‌توان از: «سکوت‌های سرهنگ برامبل» (۱۹۱۸)، «خطابه‌های دکتر اوگرادی» (۱۹۲۱)،

«مه‌نیپ» (۱۹۲۶)، «برنار کیسنه» (۱۹۲۶)، «سفر به سرزمین آرتیکول‌ها» (۱۹۲۸)، «کلیما» (۱۹۲۹)، «حلقه‌ی خانوادگی» (۱۹۳۲)، «زن انگلیسی و زن‌های دیگر» (۱۹۳۳)، «گریزه‌ی خوشبختی» (۱۹۳۴)، «ماشین خواندن افکار» (۱۹۳۷)، «سرزمین موعود» (۱۹۴۶)، «نه فرشته نه شیطان»، «گل‌های سرخ سپتامبر» و غیره نام برد.

تندرۀ موروا علاوه بر این‌ها، در زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی و مردم‌شناسی نیز صاحب نظر بود، مقاله‌ها و گزارش‌های زیادی درباره‌ی موردها و جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی انسان‌ها نوشته، و تجزیه و تحلیل‌های استادانه‌ای به عمل آورده است. از آن جمله‌اند: «هفت چهره‌ی عشق»، «دنیا‌های خیالی»، «احساس‌ها و رسا»، «نر زندگی کردن»، «امیدها و خاطره‌ها» و غیره. اما در مورد کتاب حاضر یعنی زنانی نامۀ ویکتور هوگو، همان‌طور که آثار این شاعر و رمان‌نویس بزرگ شگفت‌ناور و خیال‌انگیز است، زندگی‌اش نیز به افسانه بیش‌تر شباهت دارد تا به حقیقت. ویکتور هوگو از چهره‌های استثنایی شعر و ادب نه تنها در فرانسه، بلکه در سراسر دنیاست. بیش از دو قرن از زمان تولدش می‌گذرد، بسیاری از همدوره‌ها و معاصران او به دست فراموشی سپرده شده‌اند، اما «بینوایان»، «نوتردام دوپاری» و بسیاری از شعاع و نام‌آشنا‌های ویکتور هوگو هنوز خوانده می‌شوند و به روی صحنه می‌ایند، دوزخ دکان، جوان‌ها و سالخورده‌گان بسیاری در سراسر دنیا و به زبان‌های گوناگون آثار ویکتور هوگو را می‌خوانند و از آن لذت می‌برند، به همین دلیل آگاهی و آشنایی با زندگی و تفکرات زندگی و افکار این غول بزرگ دنیای ادب، هنوز هم می‌تواند مفید و سازنده باشد و بنا به گفته‌ی خودش: «تا از تأثیر قوانین و رسوم، عقوبتی اجتماعی برقرار باشد که در بحبوحه‌ی تمدن، دوزخ‌های ساختگی به وجود آورد و تقدیر ازلی را که ریانی است، از شناسایی انسانی مشوش سازد، تا سه معمای عصر، تَدنی^۱ مرد به دلیل رنجبری، سقوط زن به دلیل گرسنگی و نزاری کودک به دلیل ظلمت جهل

حل نشده باشد... کتاب‌هایی از این قبیل می‌توانند بی‌فایده نباشند.^۱
 در این زمینه دو اثر بزرگ و استثنایی دیگر هم از آندره مورو وجود دارد که
 اگر عمری باقی بود، به ترجمه‌ی آن اقدام خواهم کرد. یکی زندگینامه‌ی بالزاک
 است و دیگری زندگینامه‌ی الکساندر دوما پدر و پسر که بی‌خواندنی و
 شنیدنیست.

پ.ش.

۱. جمله‌ی میان‌گیمه از پیش‌گفتار کتاب بینوایان با ترجمه‌ی زنده‌یاد حسینقلی مستعان
 نقل شده که گویاترین و اصیل‌ترین ترجمه‌ایست که از این اثر به‌عمل آمده و بقیه‌ی
 ترجمه‌ها را بی‌اعتبار ساخته است. پ.ش.